

## رابطه بین فلسفه و اخلاق

علی اکبر نصیری<sup>۱</sup>، محدثه فلاحی نسب<sup>۲</sup>

۱- عضو هیأت علمی گروه فلسفه و حکمت اسلامی

۲= نویسنده مسئول. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام

### چکیده

سعادت و نیک زیستی، از مهم ترین آرمانهای دیرینه بشر از آغاز تا کنون بوده است. آدمیان با تمام تنوع نژادها و گونه های متفاوت فرهنگی، برای تأمین سعادت و نیک زیستی با عوامل تهدید کننده آن در تمام قرون و اعصار دست و پنجه نرم کرده اند. تجربه عینی و تاریخی زندگی انسان، ضرورت رویکرد به تربیت و تهذیب را به عنوان عامل مهم سامان بخش زندگی و تأمین سعادت، بارها به اثبات رسانده است. در این میان، نقش پر جسته دین، که دستورها و توصیه های اخلاقی از اجزا و عناصر مهم آن به شمار می رود، بر کسی پوشیده نیست؛ تا جایی که در متون مقدس دینی، به ویژه قرآن کریم تزکیه، تهذیب و تربیت آدمیان از اهداف مهم بعثت رسولان دانسته شده است. نقش و جایگاه اخلاق در ادیان الهی آن چنان نمایان است که برای هیچ پژوهشگری تردیدی باقی نمی گذارد که پیامبران، به خصوص حضرت محمد صلی الله علیه و آله، پیام آوران اخلاق و نیک زیستی برای بشر بوده اند و به عنوان الگوهای حسنه و اسوه های اخلاقی ظهور کرده اند. به دلیل اهمیت و نقش عمده «اخلاق» در سامان دهی زندگی، اندیشمندان و فیلسوفان همواره در بسط و تبیین مسائل و مفاهیم اخلاقی کوشیده اند. به خصوص در مباحث «فلسفه اخلاق» که در نیم قرن اخیر مورد توجه ویژه عالمان و اندیشمندان قرار گرفته، آراء گوناگونی به چشم می خورد. باید اذعان کرد که در میان اندیشمندان دینی، مباحث «فلسفه اخلاق» در مقایسه با سایر معارف اسلامی، کم تر مورد توجه بوده است. از این رو ضروری می نماید تا بیش تر به این گونه مباحث پرداخته شود. نوشتار حاضر، کوششی است - هر چند ناچیز - در همین جهت.

واژگان کلیدی: فلسفه، اخلاق، حکمت.